

## نگاه گاندی

### به قدرت روحی زنان در جنبش پرهیز از خشونت



ترجمه و تالیف: آزاده دواجی



بقیه در صفحه 4

### گزارشی از تشکیل هسته مخفی توسط ما کارگران زن

فهیمة جلوه

بقیه در صفحه 7

تیترهای ایران در آئینه آمار (۴۴)

تهیه و تنظیم: مریم اسکونی

۲۲ تیرماه ۱۳۸۹-۱۳ ژوئیه ۲۰۱۰

بقیه در صفحه 8

### مرور آماری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران ایران در سالی که گذشت! جنبش کارگری ایران پُرجوش و پُرتوان اما پراکنده و پراکنده



کارمشتک: نگار و احمد راستی، رضا رئیس دانا و امیر  
جواهری لنگرودی

تیرماه ۱۳۸۹ برابر ژوئیه ۲۰۱۰

بقیه در صفحه 2

### گفتارهای سیاسی رادیو راه کارگر!

\* -

\* - اعتراضات و اعتصابات صنفی؛ پاسخ شایسته به تعرض حاکمیت به  
سطح معیشت مردم!

\* - جنبش اعتراضی، موقعیت کنونی سیاسی و راهکار

تقویت چشم انداز دموکراتیک!

\* جنبش دانشجویی خاری در چشم دستگاه ولایت فقیه!

بقیه در صفحات 3 و 4

## مرور آماری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران ایران

### در سالی که گذشت!

جنبش کارگری ایران پُرجوش و پُرتوان اما پراکنده و پراکنده  
کارمشتک : نگار و احمد راستی، رضا رئیس دانا و امیر

### جوهری لنگرودی

تیرماه ۱۳۸۹ برابر ژوئیه ۲۰۱۰

### ارزیابی عمومی:

روز شمار جنبش کارگری سال ۱۳۸۸، به پایان برده شد. اکنون جداول آماری مستخرج از روز شمار کارگری در برابر ما است و بر این پایه ما دقیق تری توأم با داده های آماری با شما خوانندگان عزیز به گفتگو بنشینیم.

لازم به یاد آوری است؛ از مجموع اخبار مطرح شده در روز شمار کارگری سال گذشته، با توجه به لیست کردن چند هزار "خبر"، "گزارش"، "تحلیل"، "پیام" و "اطلاعیه کارگری" از داخل کشور، ما از این میان، تعداد ۱۱۳۶ مورد که مستقیماً با مسائل کارگری ارتباط داشتند را در جدول استنتاج های خود جا دادیم. در میان این خبرها ۳۰۰ حرکت اعتراضی با خواست مشخص گزارش شده و ۱۴۷ مورد طرح خواسته های کارگران بدون حرکت اعتراضی مشخص بوده است. ما در فرصت دیگری به مقایسه آماری و جداول روز شمار کارگری سال های پیش با جداول موجود سال ۱۳۸۸ و در احوال زمانی معین خواهیم پرداخت.

در رابطه با جداول آماری، ذکر دو نکته زیر ضروری است:

۱- لازم به توضیح است که خبرهای خبرگزاری های رسمی بویژه؛ ایلنا و ایسنا، مهر و فارس و ... در بازتاب خیر، آنگونه که خبرهای برشمرده در - روز شمار کارگری سال گذشته - آمده است. خبرها عمدتاً مربوط به حرکات بزرگ کارگری بویژه صنایع کلیدی نظیر؛ (نفت - پتروشیمی - ذوب آهن - ایران خودرو - ماشین سازی و غیره) و خدماتی بزرگ نظیر؛ سندیکای شرکت واحد تهران و حومه و شهرداری ها و ... می باشد که بدلیل اهمیت و انعکاس آنها به ناگزیر در مطبوعات و یا دیگر رسانه ها، بازتاب یافته است. بدین ترتیب بسیاری از اخبار کارگری تنها به تحرکات کارگری در صنایع و یا واحد های خدماتی بزرگ محدود می گردند. از این رو اخبار کارگری جمع آوری شده، در برگیرنده همه اعتراضات و اعتصابات و اجتماعات مطالباتی کارگران و سطوح وسیع تعطیلی کارخانه ها و واحد های تولیدی، کارگاهی بویژه کارگاههای قالی بافی، کارخانگی زنان، کارگاههای ۱۰ نفره و ۵ نفره و کمتر، مشاغل کاذب آن سطح از کارگرانی که از روستا کنده شده و در حاشیه کلان شهر تهران، ترمینال ها، راه آهن، بازار تهران، سطح خیابان ها و مراکز استان ها و شهرهای نزدیک خود به کار مشغولند و یاکودکان خیابانی کار و غیره به جز واحد های سازمان یافته ای از کارگاهها و واحد های کوچک مثل خیابان شهرسفر در کردستان ایران، گزارشی در میان نیست و خبری از این مجموعه را بازتاب نمی دهند. لذا می توان گفت: تحرکات کارگران به مراتب وسیع تر و گسترده تر از این مجموعه ایست که در روز شمار کارگری سال ۸۸ هر سه ماه یکبار جا گرفته و توسط ما انتشار یافته است.

۲- کارگران در سال ۱۳۸۸ به مانند دیگر اقشار و گروهبندیهای اجتماعی در متن جنبش اعتراضی عمومی پس از خیزش انتخاباتی خردادماه ۸۸ حضور داشتند. کارگران نیز از یکسو درگیر در مبارزه ضد دیکتاتوری عمومی بوده و از سوی دیگر خواسته ها و مطالبات خود را دنبال نموده است.

می توان گفت: تمامی سال ۸۸ میدان رویارویی کارگران در تحرکات و اعتراضات آنها، به مانند میدان عمل سال های پیش اش نبوده که تا حدی متفاوت می نمود. چراکه طبقه کارگری سال ۸۸ در میدان درگیری اش با کل حاکمیت تنها نبود. همه ما شاهد بودیم؛ آنگاه که کارگران لوله سازی اهواز به خیابان آمدند، صف عظیمی از جوانان، دانش آموزان و دانشجویان و زنان از درب حیاط خانه هایشان کنده شدند و با کارگران در طول مسیر به راه افتادند. کارگران نیز در پیکار بی امان مردمان سراسر کشور در سال گذشته؛ ضمن پیگیری خواست ها و مطالبات خود بخشبانظام نیز درگیر بودند. امروز اسامی کشته شده گان کارگر در برابر ما است. "کانون حمایت از خانواده شهدا و دستگیر شده گان در ایران"، در حال حاضر اسامی ده تن از آنان را به شرح زیر انتشار داده است:

۱- محمود رئیسی نجفی

۲- بهمن جنبایی خوش، ۱۹ ساله، کارگر لوله کش و تأسیسات لوازم برقی

۳- احمد نجاتی، ۲۲ ساله که با ضربات باتون به شهادت رسید

۴- سجاد قائد رحمتی، اهل درود لرستان

۵- حسین اختر زند، اهل اصفهان

۶- فرزاد جشنی ۱۹ ساله، اهل ایلام

۷- ابوالفضل عبدلهی، برقکار که بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید.

۸- سعید عباسی، ۲۸ ساله که در اثر شلیک گلوله پاسداران به شهادت رسید

۹- میثم عبادی، ۱۷ ساله، کارگر فرش فروش، در فلکه صادقیه با اصابت گلوله به ششمش به شهادت رسید.

۱۰- عباس دیبساند، کارگر بازاری، ۴۸ ساله در اثر ضربات باتون بر سرش به شهادت رسید.

بخش وسیع مبارزات، اعتراضات و اعتصابات کارگران ایران در سال ۸۸، همچون سال های گذشته، خصالت دفاعی داشته و بیش تر این تحرکات برای حفظ حداقل های موجود صورت گرفته است. کارگران در راه دست یابی به مطالبات خود، در حوزه های موفق و جاهایی ناموفق بوده و سرکوب شده و هزینه هایی بس سنگین نظیر دستگیری، زندان، پرداخت وثیقه های سنگین، اخراج از کار، مرگ و خودکشی نیز روبرو گشته اند.

می توان گفت: در دل جنبش آزادیخواهی وضد استبدادی یکسال اخیر، اعتراضات خیابانی کارگران لوله سازی اهواز، همراهی مردم و دانشجویان با آنان در هم آوایی با خواسته هایشان، از جمله شاخص ترین تحرکات بازتاب یافته در سطح شبکه اینترنت و ویوتوپ است که خبرگزاری های رسمی مطلقاً به بازتاب آن بر نیامدند. دیگر آنکه علیرغم اعتراضات و اعتصابات، تحرکات صنفی و مطالباتی، به دلیل فضای سیاسی حاکم در کشور، اعتراضات وسیع کارگران هیچ گاه به طور مستقل و جدی در سطح رسانه های حکومتی مطرح نشده است.

در این مدت خبرگزاری حکومتی ایلنا

در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۸۸ با عنوان: در طی یکماه و نیم گذشته، هریچ (۵) روز یک تجمع کارگری را در ایران شاهد بودیم، مجبور به انعکاس و بازتاب واقعیت های کارگری ایران شده و گزارش داده است:

" ما شاهد تجمع های فراوان صنفی بوده که در آن، تجمع کنندگان خواهان رسیدگی به مشکلات معیشتی خود شده اند. این تجمعات مسالمت آمیز به دلیل مسائل پس از انتخابات و در ادامه، فضای سیاسی کشور هیچ گاه به طور جدی دیده نشده، حال آنکه آینه ای از وضعیت اقتصادی ایران در سال ۸۸ بود، سالی که به تعبیر دبیر کل خانه کارگر، سال مرگ واحدهای کارگری است و به گفته رئیس اتاق بازرگانی اصفهان، سال بحران های کارگری. از یک سو وضعیت معیشتی و اقتصادی کارگران آنان را به سمت اعتصابات پیاپی در مراکز تولیدی و صنعتی کوچک و بزرگ کشانده است و از سوی دیگر، حضور کارگران در اعتراضات اخیر، اگرچه غیر سازمان یافته و بدون تشکل های طبقاتی شان، آنان را به مبارزات عمومی و ضد دیکتاتوری پیوند داده است و افاق مبارزاتی جدیدی را به روی آنان گشوده است. به همین جهت اعتراضات و مبارزات کارگران در دوره نوینی که در آن به سر میبریم روبه افزایش است. و ما همچنان با تشکل یافتگی و نضع گرفتن سطح مبارزات کارگران روبرو هستیم."

<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=75308>

پرسش این است؛ چه دست عواملی جنبش کارگری سال ۸۸ را از سال های پیش، متفاوت تر نشان می دهد و یا عمده ترین مشکلات کارگران کدام ها بودند و موقعیت مبارزاتی این نیروی عظیم طبقاتی در چه سطحی جای داشت، که می شود درباره جزء به جزء اش صحبت داشت؟

تمامی این مقاله (در 21 صفحه) را در رابطه با مقولات ذیل میتوانی

در سایت راه کارگر ملاحظه نمایند:

<http://www.rahekgar.de>

مهمترین مشکلات کارگران، رشد فقر در زندگی کارگران، مطالبات معوقه کارگران، تعطیلی کارخانه ها و واحدهای کارگری، اخراج های بیرویه و بیگانه سازی های گسترده کارگران، قراردادهای موقت و غیرقانونی شناختن آن در کارهایی که ماهیت دائم و مستمر دارند، تحرکات کارگران طی سال ۸۸، حرکت های خاص، دامنه حرکات کارگری، هدفمند سازی یارانه ها، بحث زنان و مشکلات آنان در ایران، معلمان سراسر کشور و اعتراضات آنان، خشکسالی و عوارض آن در زندگی کارگران فصلی و کشاورز و دامپرور.

## گفتار های سیاسی رادیو راه کارگر!

اعتراضات و اعتصابات صنفی؛ پاسخ شایسته به تعرض حاکمیت به سطح معیشت مردم!

شرایط جامعه روز به روز بدتر می شود. کار به جایی رسیده است که چند روز گرمای هوا شبکه برق و آب را از پا می اندازد و در کشوری با منابع عظیم نفت و گاز ظرفیت تامین برق مورد نیاز در شرایط گرمای شدید از دست رفته است، و توانایی تامین آب آشامیدنی مردم وجود ندارد و وزارت نیرو با انتشار اطلاعیه ضمن هشدار در باره احتمال قطع آب و قطع برنامه ریزی نشده برق خواهان عدم استفاده شهروندان از وسایل سرمایشی می شود. به عبارت دیگر دارند به زبان بی زبانی به شهروند می گویند اگر حاضر نباشی داوطلبانه در گرمای چهل درجه تهران کولر را خاموش کنی و گرمای جهنمی را تحمل کنی؛ هم برق را قطع می کنیم و هم آب را تا مجبور شوی. این است حاصل سی و یک سال حکومت مذهبی سرکوبگر در جامعه ما. اسلاف اینها وقتی بر حرکت مردم سوار شده بودند از زبان خمینی به دروغ به مردم وعده می دادند که ما آب تان را مجانی می کنیم؛ برق تان را مجانی می کنیم؛ حالا تهدید می کنند که در اوج گرما برق تان را قطع می کنیم و آب را به رویان می بندیم و باید گرمای جهنمی چهل و شش درجه در اهواز و گرمای چهل درجه در تهران را بدون روشن کردن کولر تحمل بکنید. دو روز را هم به خاطر گرما تعطیل می کنند تا از این طریق مصرف آب و برق را کاهش دهند. معلوم است که این وضع منتهی طولانی نمی تواند دوام داشته باشد. در حقیقت عدم سرمایه گذاری درازمدت بر شبکه های آب؛ برق؛ فاضلاب؛ حمل و نقل شهری و بین شهری؛ ناوگان هوایی و دریایی؛ تصفیه خانه ها؛ نیروگاهها؛ پالایشگاهها و نظایر آنها فریاد ناشی زیرساختی کشور را به مرزهای بحران تحمل ناپذیر رسانده است. درست در همین شرایط که میلیاردها دلار سرمایه برای تضمین ادامه همین وضع موجود لازم است، حلقه محاصره اقتصادی به گرد ایران تنگ تر و تنگ تر می شود؛ و حتی کشورهای نظیر چین و امارات متحده هم که شرکای اصلی تجاری ایران هستند فشار را بر ایران شدت داده اند. دولت شدیداً ورشکسته است و در بودجه سال جاری حدود ۶۰ هزار میلیارد ریال کسری دارد. دولت برای جبران این ورشکستگی است که روز به روز نقشه های جدیدی برای فشار بر مردم و دستبرد زدن به سطح معیشت آنها تدوین و عملی می کند. می خواهند / و گفته اند که می خواهند/ پول مردم را از طریق حذف یارانه گندم به 10 برابر قیمت فعلی از خود برگردانند، پول برق را از طریق پنج برابر کردن قیمت و پول آب را با پنج تا هفت برابر کردن هزینه مصرف می خواهند هزینه های دانشگاه از طریق محدود کردن ظرفیت پذیرش رسمی دانشجو و پولی کردن آموزش عالی به بهانه ظرفیت مازاد و خودگردانی هیات امنا دانشگاهها تامین کنند، یعنی همان طرح هایی که آموزش ابتدایی و پایه را عملاً به انواع مختلفی به مدارس پولی تبدیل کرد و با خصوصی و طبقاتی کردن آموزش، کمر آموزش عمومی و رایگان را در کشور ما در دوره سیاست تعدیل اقتصادی درهم شکست. دولت احمدی نژاد حالا وضعیتش به جایی رسیده که حتی تحمیل حدود هفتاد درصد هزینه های درمان و بهداشت به شهروندان را هم کافی ندانسته و برای سرکبیسه کردن بیشتر لایه های فقیر و تهیدست و نیازمندان تامین اجتماعی طرح فرانشیز را آورده است و وزیر رفاه دولت احمدی نژاد که شخصاً از طریق غارت ثروت نفتی کشور میلیاردی شده در برنامه «صبح بخیر ایران» شبکه اول سیما بهانه می گیرد که اگر از مردم فرانشیز گرفته نشود آزمایش ام.آی. آر مجانی می گیرند و خرج روی دست تامین اجتماعی می گذارند. درست در همان حال که از زبان احمدی نژاد لاف می زنند که تحریم تأثیری بر اوضاع کشور باقی نمی گذارد نقشه کشیده اند که عوارض تحریم بنزین را از جیب مردم بیرون بکشند و پشت پرده در کارگروههایشان مشغول چانه زنی هستند که آیا در دو خیز و هر بار با افزایش تقریباً بیست و پنج درصدی قیمت بنزین این کار را صورت دهند یا به یک ضرب قیمت آن را به حدود 900 تومان در هر لیتر برسانند و خود را خلاص کنند. این میان و به عنوان بخشی از همین سیاست تهاجمی به نام مالیات مستقیم به سراغ بازار هم رفته اند تا آنها را به پرداخت مالیات مجبور کنند؛ هر چند چون مثل همه رژیم های فاسد و سرکوبگر زورشان فقط به لایه های فقیر و محروم می رسد در این مورد فوراً عقب نشینی کرده اند. در هر حال دوره ای که در آن بسر می بریم دوره گسترش تهاجم اجتناب ناپذیر دولت و حاکمیت به سطح معیشت مردم و غارت سفره های خالی اکثریت عظیم تهیستان است. این سیاست و این تهاجم را جز با سازماندهی؛ با مقاومت؛ با اعتراض و با اعتصاب نمی توان درهم شکست. اعتراضات و اعتصابات صنفی؛ پاسخ شایسته به تعرض حاکمیت است. جولای 11، 2010

## جنبش اعتراضی، موقعیت کنونی سیاسی و راهکار تقویت

### چشم انداز دمکراتیک!

سوسیالیست ها، کمونیست ها، عدالتخواهان و دمکرات های واقعی در شرایط کنونی در تقریباً همه عرصه های مبارزه سیاسی با چالشی مهم روبرو هستند و آن اینکه بدون ضربه زدن و تضعیف وفاق و همسویی هر چه گسترده تر مجموعه نیروهای اردوی ضد دیکتاتوری، چنان شیوه ها و راهکارهای مبارزاتی را در پیش بگیرند که در همین جنبش اعتراضی کنونی راه رشد و افزایش نفوذ نیروهای ضد دمکرات و ارتجاعی مغلوب را سد کند و در عین حال به تقویت چشم انداز دمکراتیک منجر شود. بی تردید حفظ استقلال عمل، تاکتیک بر شعارها و مطالبات بلاواسطه اکثریت عظیم مردم ایران و تلاش برای برجسته کردن آنها، رویکرد به سازماندهی توده ای برای گردآوری واقعی نیرو و تلاش برای درگیر کردن لایه های اعمق در جنبش اعتراضی خطوط راهنمای مهمی در تقویت چشم انداز دمکراتیک بشمار می روند. اما در کنار تأکیدات عامی که گفته شد تحلیل درست شرایط مشخص کنونی و درک ناگزیری های جهت گیری های اساسی رژیم و پیامدهای اجتناب ناپذیر آن، همچنین موقعیت عمومی مبارزه سیاسی و نقش و وزن نیروها، اولویت بخشی به حفظ نیرو و حرکت با چراغ خاموش در حوزه تلفیق شکل های مختلف مبارزه، اعم از علنی یا مخفی تبدیل می کند. خطوط بسیار فشرده و تلگرافی وضعیت چنین است: نان که غذای اصلی مردم ایران است را می خواهند بزودی از 30 تومان به 300 تومان برسانند، در جلسات درونی کارگروه برچیدن یارانه ها در دولت احمدی نژاد که معمولاً پنهانکار است و خبرهاش به رسانه ها درز کرده چانه زنی بر سر تعیین قیمت بنزین میان پانصد، ششصد، نهصد و نهصد و شصت تومان جریان دارد، بزودی بهای گاز مصرفی خانگی، برق، تعرفه آب، بنزین، گازوئیل و سی.ان. جی با هم به شدت افزایش خواهد یافت. درست در همین شرایط حلقه محاصره اقتصادی به گرد ایران تنگ تر می شود. تحریم مرادوات بانکی و مانع تراشی بر سر گشایش اعتبار ارزی برای تجار ایرانی که چینی ها و اماراتی ها یعنی دو شریک اصلی تجاری ایران هم به آن رو آورده اند معنایش خفه کردن اقتصاد تجارت محور نامولد ایران است، تحریم فروش بنزین و خروج شرکت ها از بازار نفت و گاز ایران به خاطر تحریم های مضاعف کنگره آمریکا در شرایطی که با خوشبینانه ترین ارزیابی مسولان وزارت نفت، راه اندازی پالایشگاه بنزین برای کاستن از میزان وابستگی به خارج حداقل بیش از یک سال طول می کشد و هشتاد درصد سرمایه اش هم باید از خارج تامین شود که وجود خارجی ندارد، کمترین نتیجه اش از کار افتادن حداقل بخشی از سیستم حمل و نقل عمومی و انفجار قیمت های حامل های انرژی است که درست مانند سونامی موج آن با به حرکت درآوردن زنجیره قیمت ها تا تصرف کامل اصلی ترین حوزه های ساحلی مصرف به پیش می تازد. همزمان با این وضعیت و درست در تلاش برای پیدا کردن راه نجات دستگاه ولایی از بحران وخیمی که در آن دست و پا می زند، اختلافات داخلی به درون طیف اصولگرایان رسیده و عده ای آشکارا عده ای دیگر را به بستن به توپ تهدید می کنند. این میان رژیم تقریباً روزانه یک یا دو نفر و یا حتی بیشتر را به دار می کشد و هر روز قربانیانی تازه را از صف بلند لگدمال شدن آسیب های اجتماعی بالای طناب دار به رقص مرگ می کشاند تا بلکه بتواند از این طریق کنترل خود را بر اوضاع حفظ کند. تنها ابزار مهمی که برای دستگاه ولایی باقی مانده سرکوب است؛ اما از آنجا که از این سلاح مکرر استفاده کرده است تنها با تشدید و وسعت دائمی حوزه های آن می تواند بخشی از کارکردش را در موقعیت فعلی حفظ کند. در چنین شرایطی حضور نیرومند؛ مستقل و سازمان یافته طیف نیروهای چپ و دمکراتیک در نبردهای بزرگی که به سوی آن می رویم بخشی مهم از فرایند تقویت چشم انداز دمکراتیک برای جنبش اعتراضی مردم و حتی از الزامات آن است. پاسخ به همین الزام است که هم اهمیت تأخیرناپذیر تشدید بی وقفه تلاش و فعالیت هر چه گسترده تر در سازماندهی هسته های نوین مقاومت مندی و هم حرکت با چراغ خاموش و پرهیز از رسانه ای کردن برخی از فعالیت های این حوزه مشخص و نظایر آنها در موقعیت مشخص کنونی را توضیح می دهد. جولای 7، 2010

## جنبش دانشجویی خاری در چشم دستگاه ولایت فقیه!

اظهارات به ظاهر متناقض سید علی خامنه‌ای و احمدی‌نژاد در باره فضای دانشگاه‌های ایران بار دیگر اهمیت نقش جنبش دانشجویی در ایران در مقابله با دیکتاتوری و هراس دستگاه ولایت فقیه از این جنبش را به نمایش گذاشته است. خامنه‌ای در سخنانی در جمع مسئولان و معاونان دفاتر نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، با حمله به کسانی که به زعم او بزرگ نمایی کرده و روی نکات منفی متمرکز میشوند، فضای عمومی دانشگاه‌های ایران را «مساعد، مناسب و برجسته» اعلام کرد. او همچنین از دولت احمدی‌نژاد به خاطر فراهم کردن فعالیت روحانیون مدافع ولی فقیه در دانشگاه‌های ایران تمجید کرد. در همین روز، یعنی یکشنبه ۲۰ تیر ماه، احمدی‌نژاد از فضای دانشگاه‌های ایران ابراز نارضایتی و نگرانی کرده بود و خواهان تغییر نگرش به جایگاه و کارکرد دانشگاه‌ها و دانش در ایران شده بود. احمدی‌نژاد با تاکید بر اینکه دانشگاه نمیتواند تنها جایی برای آموختن دانش باشد، و با اعلام اینکه تکیه به معارف دینی به تنهایی کافی نیست، ابراز امیدواری کرد که دانشگاه‌های ایران تحت کنترل دولت او قرار گیرند. احمدی‌نژاد همچنین با اعلام اینکه جناح بندی‌های سیاسی در تضعیف آنچه که او ارزشهای انقلاب نامید نقش داشته است، تاکید کرد که نظام اسلامی تنها یک حزب دارد و آن حزب ولایت است. علیرغم تاکید ولی فقیه و رئیس جمهور منتخب او بر لزوم اسلامی کردن دانشگاه‌ها و سیستم آموزشی و به اصطلاح غرب زدایی در ایران، نظرات مقامات نظام اسلامی شباهت آشکاری با نظرات همتایان سیاسی محافظه کار آنها در آمریکا دارد، که خواهان این هستند که مدارس و دانشگاه‌های آمریکا بجای فلسفه و تکامل به تدریس معارف دینی بپردازند. دستگاه ولایتی نمیتواند و قادر نیست توضیح دهد که چطور و پس از ۳۱ سال سرکوب، انقلاب به اصطلاح فرهنگی، اخراج و تصفیه اساتید و دانشجویان، تغییر متون درسی و غیره، دانشجویان ایران همچنان خاری هستند در چشم نظام اسلامی. مشکل ولی فقیه اما، و برخلاف تصور او، با حمله به علوم انسانی که او گمان می‌کند عامل اصلی ریزش مشروعیت سیاسی نظام اسلامی است، حل نخواهد شد. نظامی که حق رای، حق اندیشیدن، حق کار و مسکن، و حق زندگی اکثریت عظیم مردم ایران را کتمان می‌کند، چاره ای ندارد مگر هتیان گویی! تنها در این نظام است که شورش برحق مردم به تدریس علوم انسانی نسبت داده میشود، و زلزله به پوشش زنان. سخنان احمدی‌نژاد و تاکید او بر ناکافی بودن تدریس معارف اسلامی و حمله او به هرگونه تجمع و تشکیلی بجز آنچه که او حزب ولایت میخواند، معنایی ندارد مگر پذیرش شکست پروژه اسلامی کردن دانشگاه‌ها و جامعه ایران. ۳۱ سال تدریس معارف اسلامی و تلاش برای اسلامی کردن علوم انسانی و علوم طبیعی نتیجه معکوس داشته است. ۳۱ سال تلاش برای اسلامی کردن تشکلهای دانشجویی و کارگری، نه تنها نهادهای کارگری و دانشجویی وابسته به این نظام را با بحرانی همه جانبه روبرو کرده بلکه آنان را به چالش با دستگاه ولایتی سوق داده است. هتیان گویی‌های نظام ولایتی بی دلیل نیست. نه حمله مداوم به خواب‌گاه‌های دانشجویی، نه بازداشت وسیع دانشجویان، نه نظامی کردن فضای دانشگاه‌ها، نه احضار مداوم دانشجویان به دادگاه‌های رژیم و ممانعت از ادامه تحصیل آنها، و نه تهدید انتقال دانشگاه‌ها به خارج از تهران، مشکل نظام ولایتی را حل نکرده اند. بی جهت نیست که احمدی‌نژاد در پی ارائه تعریف جدیدی از دانش و دانشگاه است. جمعیت دانشجویان ایران بیش از ۲ میلیون است. خواست‌ها، نظرات و اراده این جمعیت را نمیتوان نادیده گرفت. اهمیت دانشجویان در ایران اما تنها یک اهمیت کمی نیست. جنبش دانشجویی در ایران همواره در صف مقدم مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی در ایران قرار داشته و دارد. تمامیت گرایي فرهنگی این نظام اما جنبش دانشجویی ایران، و جوانان ایران را بیش از هر زمان دیگری به صف مقدم مبارزه علیه دستگاه ولایتی سوق داده است. درست در چنین زمانی است که اهمیت مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان، و تلاش برای احقاق حقوق دمکراتیک و آکادمیک، حق تشکل و تجمع، مقابله با دفتار حراست و نمایندگان ولی فقیه، لغو تبعیض و حق آموزش و تدریس، بیش از پیش اهمیت پیدا میکنند. جولای 13، 2010

## نگاه گاندی به قدرت روحی زنان در جنبش پرهیز از خشونت

ترجمه و تالیف: آزاده دواجی

مدرسه فمینیستی: جنبش عدم خشونت در هند، تجربه ای یگانه و منحصر بفرد است زیرا در هیچ کشوری رابطه ی میان مبارزه ی آزادی خواهانه و صلح طلبی شبیه آنچه که در هند به منصفه ظهور رسیده است وجود ندارد. در شکل دهی تمامی لحظات تعیین کننده و نقاط عطف این جنبش، از مبارزه در چاکپارن 1 تا جنبش عدم همکاری 1920 و 1922، جنبش نافرمانی مدنی، جنبش ساتیارگای 2 نمک، و بالاخره در جنبش همگانی هند 3، صدای رسای گاندی به شدت تأثیرگذار و سرنوشت ساز بوده است. تحت تعالیم معنوی و آموزش های «مهاتما گاندی» پیشوای نهضت ملی هند، بود که این جنبش وسیع مردمی در میان مبارزات ضداستعماری جهان سوم پابرجا و استوار مانده است و در پهنه ی ارزش های صلح طلبانه و گسترش یابنده خود، همچنان پویا و زنده، عمل می کند.

روشن است که تا حدود بسیار زیادی به واسطه ی وجود گاندی و آراء فلسفی او است که این جنبش به دریافتهای مشخص اخلاقی از سیاست و زندگی جمعی، متعهد و پایبند مانده است. گمان می رود که نپرو و دیگر جانشینان گاندی هم از همین دیدگاه او الهام گرفته اند و در میان آن همه منابع متنوع و متون گوناگون حقوق سیاسی، سرانجام باعث شد که این دیدگاه بتواند حقوق اصلی شهروندان هندی را شکل بخشد و در قانون اساسی جدید حافظ حقوق و کرامت اقلیت ها و اقلیت فرودست باشد.

### «عدم خشونت» به مثابه ی فلسفه و راه حلی برای زندگی

«صلح جویی» فلسفه ای است که در معنای مطلق اش متضمن این مفهوم است که همه ی فرمهای خشونت همچون: جنگ، کشتار، حذف دیگری، اعدام شهروندان، سرکوب اقلیت ها، سانسور مطبوعات و ... تحت هر شرایطی اشتباه است. راه حل پیشنهادی در این فلسفه بر این اساس است که تمامی مرادوات اجتماعی باید به دور خشونت و حذف، و حتما صلح جویانه باشد.

در صلح جویی مشروط؛ عدم خشونت هنوز هم حرکتی ایده آل و قابل دفاع است، اما خشونت تنها در شرایط دفاع شخصی (صیانت از نفس)، به خصوص در مواقع بسیار حاد قابل توجیه است. دفاع شخصی در مواجهه با حمله ای مکرر، می تواند توجیه شود اما حتی در هنگام دفاع شخصی نیز، فرد مورد حمله می تواند تا حد امکان از ضربات احتمالی وارده برای دفاع از جان خود، بکاهد.

«صلح جویی»، هر چند بخشی از فلسفه ی وسیع انسان شناسی است اما اغلب با سنت های مذهبی بسیاری هم در ارتباط است. در فرقه های صلح مسیحی همچون کونیگر 4 و مونونیت 5 طرد خشونت، و رفتار صلح آمیز، هسته ی مرکزی را برای آنها تشکیل می دهد همچنین شریع و فرقه های غیر مذهبی هم مانند جینز 6 بر عدم خشونت اعتقاد داشته اند. صلح بزرگ ارووکوس 7 بر پایه ی ارزشهای همزیستی مسالمت آمیز، شهروندی، حمایت و سرپرستی، یکپارچگی و همدلی، و منطقی و احترام قرار دارد. علاوه براین، شریعت های صلح جویانه ی بسیاری در ادیان اصلی همچون یهودیت، اسلام و کاتولیسم وجود دارد.

کانون عدم خشونت مذهبی تنها به محدوده ی اجتماعی خلاصه نمی شود. مسئله ی اصلی غالب در این محدوده؛ سلامت روحی یک شخص است. تنها لازمه اش این است که یک فرد از درگیرکردن خودش به رفتار خشونت آمیز بپرهیزد. این مرز خود داری و پرهیز از خشونت به اندازه ای است که از شهروند خواسته می شود حتی در برابر حمله های خشونت آمیز از خودش دفاع شخصی نکند. از سوی دیگر بسیاری از سنت ها و ارزش های صلح جویانه، باورمندان به این روش را به پرهیز از جنگ و همه شکلهای دیگر خشونت تشویق می کنند. قطعا رهنمودهایی چون «محبیت به دشمن» اغلب با امید به تحت تأثیر قرار دادن او (دشمن)، پیوند می خورد. با دوست داشتن دشمن می توانی ستایش و احترام او را برای خودت به دست آوری.

در شریعت ها و فرقه های بعضی از ادیان، عمل بدون خشونت در مواجهه با نابرابریهای حاکم اجتماعی، یک الزام اخلاقی است. «لئورناردو بوف» 8 الهیات شناس آزادی خواه برزیلی براین باور است که باید در مقابل نوعی از خشونت به نام «سرچشمه ی خشونت» مقاومت کرد:

سرچشمه ی خشونت در میان نخبگان حاکم و نهادهای مختلف قدرت و نیز در ساختارهای اجتماعی، از منافع گروههای حاکم محافظت می کنند و در گروههای راست افراطی که هیچ تغییر اجتماعی را - از ترس از دست دادن مزایای و موقعیت اجتماعی شان نمی توانند بپذیرند - ریشه دارد. در نتیجه بسیاری از کشورهای جهان سوم در تنگنای تروریسم دولتی قرار دارند. این گونه خشونت ساختاری نیاز به یک پاسخ دارد: از نظر اخلاقی واجب است که علیه آن دست به اعتصاب بزنیم.

در نتیجه «بوف» پیشنهادهی کند به جای اینکه بخواهیم خشونت متقابل یا خشونت انقلابی و قهرآمیز را در مقابل خشونت دولتی سازمان بدهیم، به نفع ما است که حرکتی بدون خشونت انجام دهیم. از این طریق و با رد شرایط فعلی ما می توانیم از شراکت در بی عدالتی اجتناب ورزیم و در عین حال ارزش های اخلاقی و عزت انسانی خود را با روی گرداندن از خشونت حفظ کنیم. او عرفانی را تئوریزه و بیان می کند که در زیر پوست حرکت ضد خشونت، جاری است. عرفان جنبش عدم خشونت بر این مسئله تأکید می کند که خودمان را تغییر دهیم در عین حالی که در حال تغییر دادن جهان هستیم. باید با راستی و درستی زندگی کرد. باید منصف و از درون، زلال بود. ما باید به وجود آوردگان صلح و میسر دوستی و همبستگی باشیم. تنها کافی نیست که در مقابل خشونت خارجی بایستیم همینطور باید ریشه های خشونت را از قلیه ایمان، از برنامه های شخصی مان و از طرح های زندگی روزمره مان بر کنیم. هم از لحاظ شخصی و هم سیاسی باید به دنبال زندگی در اکنون باشیم و تاحدودی کمی در آینده. پس مجاز نیستیم با ایده های کلان نگر و آرمانشهر های خیالی، اکنون مان را به بهانه آینده های بهشت آسا و خیالی، به جهنم تبدیل کنیم.



جنبش عدم خشونت گاندی

با وجود موارد مبهمی که در فلسفه ی گاندی وجود دارد، اما استراتژی عدم خشونت جمعی، به نظر می رسد که راهی برای پیشبرد مقاومت جنبش - چه در سطح روشنفکران و چه در سطح عام - را فراهم می آورد. زمانی که گاندی در سال 1915 به هند آمد، ارتشیان کنگره درگیر اعمال تروریستی و خشونت آمیز علیه نیروهای استعمارگر شده بودند اما با پرداخت هزینه های سنگین، هیچ چیز را واقعا تغییر نداده بودند. از سوی دیگر، تشدید و گسترش قیامها و شورش های محلی توده ی مردم نیز تشدید خشونت نیروهای حاکم را به دنبال آورده بود و این قیامها یکی پس از دیگری به طرز وحشیانه ای سرکوب شده بودند و جو ارباب در پهنه کشور در حال گسترش بود. در نتیجه، اکثر مبارزان و آزادیخواهان یا منفعل، یا تسلیم نیروهای سرکوبگر شده بودند. در چنین تنگنایی بود که ایده های گاندی در جوی چنین نامیدکننده، به عنوان جایگزینی برای برون رفت از این وضعیت دشوار، ارائه شدند.

پیشنهاد گاندی برای حرکت رولات به منظور آغاز ساتیاگراها و برای راهی کردن خشم مردم به جهت پرهیز از خشونت بود. او مردم را به تظاهرات جمعی سرتاسری فراخواند، اما از آنها خواست که بکشنیه (روز تعطیل) بیاند تا به توقف و تعطیل شدن کارشان مجبور نشوند و لطمه ای به کسب و کارشان وارد نیاید.

در بکارگیری روش مسالمت آمیز مبارزه، موسوم به «نافرمانی مدنی»، گاندی قانونی را که مانع می شد هر کس نمک خودش را بسازد شکست و بدین ترتیب زیر بار حق انحصاری انگلیس و مالکیت برای نمک نرفت. او دیگران را هم به انجام این کار به صورت گروههای بزرگ ساتیاگرای نمک تشویق کرد. گاندی روش بی خشونت و «عدم همکاری» یا «ساتیاگراها» (معنای تحت الفظی آن روش مقاومت همراه با داشتن قلبی منزه و تقویت قدرت روحی) را برای مبارزه برای کسب حقوق شهروندان هندیها در آفریقای جنوبی به کار برد. او در اولین کمپین مبارزاتی اش بنا به دو دلیل موفقیت زیادی را کسب کرد. اول اینکه روش اعتصاب کارگران هندی و هندی هایی را که به گونه ای در اقلیت - کاملاً حاشیه ای - در آفریقای جنوبی بودند را به کار بست که در نتیجه توانست امتیازهای طبقه حاکم سفید پوست را - که هیچ گاه به سیاهپوستان نمی دادند - برای کارگران هندی ساکن آفریقای جنوبی به دست آورد. دوم اینکه در طول این کمپین؛ پر اهمیت ترین حرکت گاندی ایجاد محدودیتهایی مشخص و حساب شده در مبارزه (البته با روش صلح جویانه) بود. گاندی در یک صحنه از فیلمی که در باره این مبارزه ی دشوار ساخته شده صراحتاً از موکول کردن مبارزه «به بعد» سخن می گوید. گاندی

به جای اینکه به اعتصاب گروهی و خشن کارگران اروپایی در معادن آفریقای جنوبی بپیوندد، اعتصاب خوش را به صورت مستقل و با روشی متفاوت از کارگران اروپایی، ادامه داد و سر انجام به موفقیت رسید تا جایی که همین حرکت مسالمت آمیز کارگران هندی به رهبری او، باعث تقدیر هیئت حاکمه سفید پوستان آفریقای جنوبی هم می شود. گاندی در این باره می گوید:

در طی مبارزه ی ساتیاگراها در آفریقای جنوبی هزاران نفر از کارگران قراردادی هندی در کارهای خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب ساتیاگراها بود که تماماً صلح جویانه و داوطلبی بود. در زمانی که اعتصاب دیگری در مجموعه ی اعتصابات معننچیان اروپایی، کارکنان راه آهن و غیره اعلام شده بود. اولین پیشنهاد به من این بود که به هدف مشترک کارگران اروپایی بپیوندم. در طی اعتصاب ساتیاگراها من لازم نمی دیدم که برای رد کردن این پیشنهاد فکر کنم. بیشتر رقتم و از ترس اینکه اعتصاب ما با اعتصاب اروپایی ها در روشهای خشونت آمیز همچون بردن اسلحه که حرف اول را در این اعتصابات می زدند در یک ردیف قرار گیرند؛ اعتصاب خودمان را آگاهانه به تعویق انداختم و جنبش ساتیاگراها از آن زمان به بعد به عنوان جنبشی پرافتخار و قابل احترام از طرف اروپایی های آفریقای جنوبی شناخته می شود و همانطور که ژنرال سماتس 9 می گوید جنبشی مشروطه گرا است.

از سوی دیگر گاندی توانست توده مردم و افکار عمومی را در سطح وسیعی بسیج کند چرا که او فراتر از فضای استراتژی عدم خشونت اش، توانست ظلم و خشونت های جاری حکومت انگلیسی را آشکارا با افکار عمومی در میان نهد. گاندی اولین کسی نبود که خواستار عدالت اقتصادی و سیاسی برای مردم هند بود، اما او اولین کسی بود که به خاطر هوشیاری اش در به کار گیری روش های بی خشونت مبارزه، موفق شد توده بسیار زیادی از مردم را در مبارزه شرکت دهد. گاندی با این روش صلح طلبانه حتی توانست روستاییان و تا حدودی کارگران را برای مبارزه و به دست آوردن عدالت اجتماعی بسیج کند.

گاندی در جواب نامه «لئو تولستوی» نوشته بود که دیدگاهش به سیاست، تحت تأثیر رشد و اعتلای درک مذهبی او قرار گرفته است. و در متن های نظریه پرداز اجتماعی «رابرت راسکین»، گاندی به فلسفه ای دست یافت که با خوانش متون هندو به آن رسیده بود. گاندی ستمی را که از صنعتی شدن برخاسته بود نشان داد و عمل سیاسی پرهیز از خشونت را به عنوان راه چاره پیشنهاد کرد.

اگر که عدم همکاری؛ نافرمانی مدنی، اعتصاب غذا و اعتصابات غیر خشونت آمیز تنها بخشی، نه وجه لازم ساتیاگراها در عمل را نشان می دهد به خاطر این است که روش گاندی بیشتر از کاربرد ساده و مستقیم فشار آوردن، حرکت کرد. هدف اصلی ساتیاگراها تغییر سازنده روابط به گونه ای بود که نه تنها بر تغییر سیاست تأثیر بگذارد، بلکه بازسازی موقعیتی که منجر به کشمکش می شود را اطمینان بخشد.

جنبش عدم خشونت گاندی بر پایه ی اصول مذهبی بود که از متون مختلف مذهبی و از اصول و ارزش های مشترک ادیان گوناگون سیراب می شد. متن های مقدسی همچون باگهاورد گیتا 10، انجیل و قرآن، گاندی به دنبال منبع موقتی تری برای حقیقت محض می گشت. مفهوم اصلی جنبش گاندی (ساتیاگراها) این است که تحت عنوان «در جستجوی حقیقت» او یا نیروی لایزال روح ترجمه می شود و متضمن این مفهوم است که یک مبارز باید از مخالف خود درس بگیرد و برعکس. حقیقت نمی تواند از طریق زور به دست آید و یا منتشر شود. بنابراین مفهوم آهیسا 11 به عنوان اصل ساتیاگراها است (شخصی که به دنبال یافتن حقیقت است) وقتی که به طور نمونه آهیسا به عنوان کلمه «ضد خشونت» ترجمه شد در متن اصلی با ساختار منفی و با مفهوم ضمنی کلمه ی انگلیسی معنی حقیقی اش را از دست نداد. طبق نظر «پل وهر» 12، جنبش خشونت پرهیز گاندی توانست جنبش استقلال هند را با بکار بستن روش های انسانی و صلح دوستانه، از غیرقابل کنترل شدن (و احتمالاً از به خشونت کشیده شدن) نجات دهد.

1- مرحله ی تدریجی یا گام به گام: کمپین های مبارزاتی گاندی با گفتگو، مذاکره و حکمیت شروع شد، نه تنها در کشمکش هایی که در آن درگیر می شد این استراتژی را به کار بست بلکه روابط دوستانه ای را هم در مسائلی که اعضای حکام انگلیس در آن شریک بودند، گسترش داد. اگر که درگیری در این مرحله تمام نشد، حرکت ساتیاگراها برای مبارزات بدون خشونت بعدی آماده می شود که شامل تحریکات، هشدار، آگاهی رسانی به افکار عمومی، تحریم خرید کالاها ی انگلیسی و اعتصابات، نافرمانی های مدنی، از کار انداختن کارکرد روزانه نهادهای دولتی و ایجاد دولت موازی است.

2- الزام به عدم خشونت: هر شهروند داوطلب که در کمپین مبارزاتی گاندی شرکت می کند باید الزام و تعهد شخصی و اخلاقی به معیارها و ارزش های

مبارزه بی خشونت داشته باشد. هم بر اثر آموزه های تئوریک پرهیز از خشونت و هم به خاطر همین اصل اولیه ی صبر و خویشتنداری شخصی بود که جنبشی به این وسعت بدون کوچکترین خشونتی گسترش یافت. 3-کنترل محرکه های افزاینده. گاندی از زیاد شدن ناگهانی خودداری می کرد. برای مثال او هر کمپین را به یک موضوع مرتبط می ساخت و به این ترتیب از تشدد موضعات و یا احزاب جلوگیری می کرد. او بر گسترش روابط شخصی و عاطفی با مخالفان تأکید می کرد و به این ترتیب از چرخش درگیریها به سمت خصومت و دشمنی جلوگیری می کرد. با اعلام صادقانه و شفاف همه ی حرکت های آینده، گاندی امکان انحراف اطلاعات را کاهش می داد.

گاندی براین باور بود که بافتن حقیقت، هدف زندگی بشری است و از آنجایی که هیچ کس نمی تواند از درک حقیقت کاملاً مطمئن باشد بنابراین، کاربرد خشونت برای قبولاندن درک ناقص خودمان از حقیقت، گناه محسوب می شود.

### مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ، دو شخصیت تأثیر گذار در جنبش جهانی پرهیز از خشونت

دور از ذهن نیست که تصمیم مارتین لوتر کینگ مبنی بر کاربست روش پرهیز از خشونت - به مانند خود گاندی - بر پایه ی اصول و ارزش های مذهبی بوده باشد. در واقع لوتر کینگ استفاده از روش پرهیز از خشونت به عنوان ابزار و روشی در مبارزه ی سیاسی را از موفقیت گاندی در هند کشف کرد. نظریه ی کینگ با جهت گیری کاملاً مذهبی و برگرفته از تعالیم مسیحیت بود. که در راستای مقام و موقعیت خودش به عنوان وزیر و در عین حال به عنوان کشیش در مرکزیت کلیسا در زندگی ساکنان مونتهگومری 13، آلاما 14، و آمریکایی های آفریقایی تبار، قرار داشت. و بی دلیل نبود که اولین معترضان تحت رهبری او، از میان همین اقشار بودند. لوتر کینگ از ساختار وعظ و خطابه و سیر استعلاعی الهامات و موعظه های آفریقایی آمریکایی استفاده کرد و عموماً واژه ها و اصطلاحات انجیل را در خطابه های سیاسی و اعتراضی خود به کار می برد. و همین واژگان، منبع عمیق تری برای اتحاد قشرهای مختلف را که تنها یک کارکرد و مسئله ی خاص می توانست داشته باشند به وجود آورد. جالب است که تمامی یاران و رفقای توانای او از فهرست موعظه گران سیاه پوست بودند.

روش مارتین لوتر کینگ هم به مانند گاندی، روشی تدریجی و گام به گام بود:

- 1- مرحله ی اول: جمع آوری اطلاعات
- 2- مرحله دوم: آموزش
- 3- مرحله ی سوم: تعهد شخصی
- 4- مرحله چهارم: مذاکره
- 5- مرحله ی پنجم: عمل مستقیم
- 6- مرحله ششم: مصالحه

همانند گاندی این روند نیز مرحله به مرحله بود که باعث خلق موقعیت برای کشف راه حل در هنگام درگیری و مقابله می شد و ضامن این مسئله بود که هم مخالفان و هم رفقا، اطلاعات دقیق و کافی برای تصمیم گیری در مورد مسائل و این فرآیند، در اختیار دارند.

### گاندی و جایگاه زنان

از سوی دیگر گاندی علاقه ی عمیق و آگاهی زیادی از مسائلی که زنان را تحت انقیاد قرار می داد داشت. مهمتر از آن، گاندی از طرفداران سرسخت تساوی میان زن و مرد بود و از رفع تبعیض میان زن و مرد به هر شکلی پشتیبانی می کرد. برای مثال او در مسائل مربوط به امور جنسی (قوانین تبعیض آمیزی را که اجازه می داد بی بند و باری و تجاوز جنسی مردان، به آسانی بخشیده شوند)؛ واکنش جدی و مسئولانه ای نشان می داد و آن را سخت نکوهش می کرد حتی زمانی که این قبیل رفتار مردان زیر پوشش رفتاری «آزادانه» توجیه می شد. در حالی که در مورد زنان که همین کار مشابه را انجام می دادند به عنوان فاحشه، خانن به جنس خویش و خیانت به ایده آل های مشخص زن بودن و مادر بودن تلقی می کردند، نه اینکه با این رفتار و این نوع دیدگاه، تصور کنیم که مهاتما گاندی براین باور بود که هم زن و هم مرد می توانند بی بندوباری های جنسی داشته باشند، بلکه او خواستار این بود که مردان و زنان در یک موقعیت برابر اجتماعی و اخلاقی با هم زندگی کنند و یکی بر دیگری ارجحیت نداشته باشد.

همانگونه که آشپس ناندی 15 کاملاً شفاف دیدگاهش را در این مورد بیان می کند: «عنصر اصلی در فلسفه ی گاندی کشف دوباره او از زن به عنوان نیروی مدنی و تأثیر گذار در جامعه ی بشری بود» به همین دلیل هم بود که کارهایش با برنامه ای کاملاً روشن و متمرکز انجام می شد تا زنان را به حیطه ی اجتماعی وارد کند. در این گستره است که هر کس می تواند متوسل شدن گاندی به اعتصاب غذا و سماجت او در «نخ ریسی» و اعتقاد راسخش به مقاومت بدون خشونت را ببیند. تفکر گاندی در مورد زن به عنوان کسی بود که از دیدگاه او نقش تربیت نژاد بشر را بر عهده

دارد یعنی فردی که رفتارارش و تفکرش مستعد عدم خشونت است و در هنر متقاعد کردن دیگران واقعا ماهرانه تر و صبورانه تر عمل می کند.

به جای اینکه گاندی به عدم خشونت به عنوان سلاح ضعیفی نگاه کند، آن را سلاحی بسیار نیرومند و بُرنده می دانست و قویاً براین باور بود که زنان قدرت انعطاف پذیری و مقاومت بیشتری از مردان دارند. معتقد بود که قوانین. سیاست، قوانینی مردمحور است که توسط مردان وضع شده اند و تنها زنان قادر به انسانی کردن این حوزه هستند و آنها بهتر از مردان می توانند به ذهن زن و مرد صورتی معقول و قابل توجه ارائه دهند. از طریق متوسل شدن به اعتصاب غذا، گاندی در پی آن بود که تفاوت احتمالی میان اعتصاب غذا های مردان به عنوان اعتصاب غذا ی همگانی و سیاسی، و زنان به عنوان اعتصاب غذا آداب و رسومی و شخصی را، انکار کند و آشکارا این کار را هم کرد. به این ترتیب او توانست تفسیر جدیدی از رسوم اعتصاب غذای زنان را با جایگزین کردن آن در هر چهار گوشه از مقاومت سیاسی، ارائه دهد. گاندی خودش به کار نخ ریسی می پرداخت و با این کار، در تلاش بود تا نه تنها توجه را به سمت ارزشمند بودن کانون کارهای خانگی (که با مکانیزه شدن تولید از درآمد محروم شده بودند) جلب کند، بلکه به نمونه ای از نقش زنان در پابرجا نگه داشتن و انجام کارهای مرسوم خانه از طریق کار. روزانه ریسندهی نیز تأکید داشته باشد.

گاندی قدرتی ویژه در کشف مسائل و نتیجه گیریهای بزرگ از امور جزئی داشت، دیدگاهی که سبب شده بود تا از مسائل ظاهراً پیش پا افتاده که دیده نمی شدند چیزهای بزرگ پدید آید، در نتیجه گاندی توانست در کار روزانه ی زنان پُر فایده ترین درس ها را برای چگونگی اداره کردن یک کشور پیدا کند، این سرشار از رونق اقتصادی و کمالات اخلاقی و انسانی را نیز هدایت کند. گردش مداوم چرخ ریسندهی گرچه ممکن است که در بعضی موارد به معنای راکد بودن تفسیر شود اما برای گاندی به منزله ی نشانه ی عمیق قدرت پدیدار زنان و پایداری آنها به عنوان نگهدارنده ی کانون خانواده و محافظان اخلاقیات و ارزش های مقاومت و رواداری جامعه است.

در اینجا دوباره این مشکل وجود دارد که گاندی بر مقوله های مورد تردید طبیعت و طبیعی متکی بود. اما تأثیر خالص دیدگاهش از زن و آن دسته از اعمال زنانه که او برای یاد گرفتن زیاد داشت، برای کارهایی همچون قدرت دادن به زنان و باوراندن احساس برابری با مردان بود.

گاندی همیشه طرفدار اصلاحات کامل بود که آن را ساروادیا 16 می نامید که به معنای پیشرفت کامل است. او بر این باور بود که تفاوت میان زن و مرد تنها تفاوت جسمی و فیزیکی است و بارها در نوشته هایش تأکید کرده بود که در بسیاری از مسائل مخصوصاً آن دسته از مسائلی همچون بردباری، صبوری و فداکاری، زنان. هندی بالاتر از مردان هستند. در طول چهل سال از زندگی سیاسی اش او تنها دلایل بیشتری برای استحکام و عمیق کردن باورهایش به آنچه که می نوشت پیدا می کرد. گاندی هیچ گاه برنامه ی مشخصی برای زنان نداشت اما زنان نقش اصلی در تمام برنامه هایش داشتند. او براین باور بود که هیچ مدرسه ای بهتر از خانه و هیچ معلمی بهتر از پدر و مادر وجود ندارد و می گفت که مرد و زن باهم برابر هستند اما همانند نیستند " از لحاظ عقلی؛ روانی و روحی زنان با مردان برابرند و می توانند در هر فعالیتی شرکت کنند"

گاندی در اظهار نظر هایش می گفت: " زن بودن تنها به آشپرخانه محدود نمی شود تنها زمانی که زنها از بردگی آشپرخانه رها شوند روح حقیقی و بزرگ آنها کشف و آشکار می شود" این گفته، به آن معنا نیست که زنان نباید آشپزی کنند، بلکه تنها وظایف خانه داری باید میان زنان؛ مردان و فرزندان تقسیم شود. او می خواست که زنان بر مسولیت های سنتی چیره شوند و در مسائل ملی و اجتماعی شرکت کنند. او خواست هندی ها برای داشتن فرزندان پسر را سرزنش می کرد و می گفت که تا وقتی که ما، زنان را به اندازه ی مردان، در طبیعت در نظر نگیریم ملت ما رو به افول خواهد رفت.

بنا به باور بسیاری، تئوری مبارزه ی بدون خشونت و فلسفه ی گاندی ریشه در دیدگاه او نسبت به زنان دارد. فلسفه ی زندگی بدون خشونت که اکنون به عنوان یکی از استراتژی های جنبش های مدنی در سراسر جهان در نظر گرفته می شود می تواند به عنوان یکی از اخلاقی ترین و کم هزینه ترین روش در مبارزه ای آرام، صلح آمیز و پایدار به کار گرفته شود 20 تیر 1389.



## گزارشی از تشکیل هسته مخفی توسط ما کارگران زن

فهیمة جلوه

کوچک باشد تا بتوانیم امنیت آن را بهتر تامین کنیم. به همین دلیل هم بود که سالها این هسته مخفی توانست به کار خود ادامه دهد و دستاوردهای خوبی داشته باشد. من فکر می‌کنم وقتی پای سازماندهی کارگری به میان می‌آید بخشی از کار باید مخفی باشد. کارگران برای کسب مطالبات خود با یک مانع مواجه نیستند. آنها هم با کارفرما و عوامل آن مواجهند، هم با رژیم که حالا دیگر شمشیر را از رو بسته و در عین حال با کارگران نا آگاهی که ضرورت تشکیلات کارگری را تشخیص نمی‌دهند. اما کارگر مبارز و انقلابی نه به دنباله روی از توده بی‌شکل کارگران و نه در عین حال بر فراز آنان باید حرکت کند. این که حتی جمعی هم بوجود بیاید اما نتواند ارتباط لازم و وسیع را با توده کارگران داشته باشد باز هم نمی‌تواند در سازماندهی کارگری منشا اثر باشد. در نتیجه باز هم نمی‌توان از تشکیلات کارگری صحبت کرد. بنابر این در شرایط کنونی که کار مخفی اهمیت ویژه ای می‌یابد، سازماندهی کارگری درحالی که باید مناسب با شرایط کنونی تلفیق درستی از کار مخفی و علنی باشد در عین حال باید بتواند توده کارگران را به حرکت درآورد از این رو گسترش ارتباط با توده های کارگران بخش اصلی و مهم زدن تشکیلات کارگری به حساب می‌آید. امری که گویا لازم است امروز تاکید بیشتری بر آن داشته باشیم. چون به نظر من بسیاری از فعالان کارگری امروز اهمیت لازم را به گسترش ارتباط با بنه طبقه کارگر نمی‌دهند.

### شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شین بافت و پیروز بافت سنندج

نام کارخانه و نوع محصول تولیدی:

کارخانه شین بافت و پیروز بافت سنندج و تولید کننده پارچه. چرا کارخانه دو اسم دارد؟ جهت استثمار هر چه بیشتر کارگران و کسب حداکثر سود و فرار از قوانین و مقررات موجود، و.....  
سرمایه‌گذاران (کارفرمایان): از نوانگان خوانین منطقه دیواندره، اقایان عطاءالله و کیومرث امینی.

**تعداد کارگران:** ۷۴ نفر (۲۵ نفر رسمی و ۴۹ نفر قراردادی، از نوع سفید امضاء). فاقد طرح طبقه بندی مشاغل. در کارخانه هیچ گونه تشکل و یا نماینده کارگری، حتی از نوع دولتی آن هم ندارد. اصولاً بردگی مزدی در این شرکت قوانین خودش را دارد. کارگران در سه شیفت در طول شبانه روز و به صورت چرخشی کار می‌کنند. البته کارگران دارای شماره تماس شبانه روزی بوده و در صورت تماس مدیریت با آنها، باید خارج از شیفت و به صورت اضافه کار و در حالت فوری و اجباری، در کارخانه حضور یابند. نحوه استخدام پرسنل: قانون مشخصی ندارد. سلسله مراتب مانند ارباب ورعیتی می‌باشد و اقوام خان نیروهای ستادی را تشکیل داده و در کل هر کسی بیشتر جان بکند! می‌تواند افرادی مانند خود را به استخدام درآورد. فرد به کار گرفته شده باید بتواند برای اجتماعی نمودن خویش کارش را از شستن ماشین خان شروع کرده و اگر تحمل کرد، می‌تواند وارد مرحله بعدی یعنی نظافت کارخانه و شرکت در باغبانی و تخلیه بارشود! به تمامی این مراحل راه رفتن او باید شبیه آهو باشد و البته مطیع سایر کارگران! به این ترتیب کارگر قرارداد یک ماهه را به صورت شفاهی و سپس قرارداد سفید کتبی امضاء می‌نماید.

### مجموعه قوانین و مقررات بردگان مزدی کارخانه شین بافت:

۱- کارگر یک ساعت قبل از شروع به کار شیفت، باید از منزل خارج شود تا بتواند خود را به مسیر تنها سرویس کارخانه برساند. بیشتر کارگران با مسیر تعیین شده سرویس فاصله دارند.

۲- داخل سرویس صحبت کردن بر خلاف میل کارفرما پیگرد انضباطی دارد.  
۳- کارگران بعد از پیاده شدن از سرویس باید مانند زندانی دست بر سر، مورد بازبینی بدنی قرار گرفته و از جلو دوربین مدار بسته وارد سالن تولید شده و دستگاه تولیدی را تحویل بگیرند. این کار (تحویل گرفتن دستگاه) به معنای بدون اشکال بودن می‌باشد، که در غیر اینصورت جریمه انضباطی (کسر حقوق) به دنبال دارد.

۴- برای گرفتن مرخصی استحقاقی باید هفت خان را طی کرد. مرخصی استعلاجی بدون اجازه، پیگرد دارد و باید پزشک متخصص آن را تایید کند و بیشتر از یک روز، کارگر مورد بی‌مهری شدید کارفرما قرار می‌گیرد و در صورت تکرار، تمدید قرارداد را به مخاطره می‌اندازد و در ضمن از مرخصی استحقاقی هم کسر می‌گردد. مرخصی کارگران فامیل در کارخانه برای شرکت در مراسم ختم، فقط برای یک نفر از آنها امکان‌پذیر می‌باشد. البته مرخصی اجباری هم وجود دارد. آن هم در صورتی که کارفرما بخواهد از قوانین مالی فرار کند، ۱۰ الی ۱۵ روز مرخصی اجباری به کارگران داده می‌شود. در این مدت با دعوت کردن از همسایه‌های قانونی به کارخانه، آنها را فریفته و مسئله اشتغال‌زایی استان را در خطر تعریف می‌کند. از سوی دیگر مرخصی استحقاقی کارگران نیز تمام شده و تسلط بیشتری بر کارگران پیدا خواهد کرد.  
۵- جریمه: کارفرما هر زمانی که اراده کند با دلایل واهی، کارگران را جریمه می‌کند. اگر کسی هم معترض شود، جوابش این است: اعتراضی داری می‌توانی تسویه نموده و کار نکنی!

۶- سلسله مراتب شبیه پادگان است و در آن بالا، خان‌های امینی قرار دارند!

گزارش بسیار جالبی از کارخانه شین بافت سنندج خواندم و به این فکر افتادم تجربه خودم را از تشکیل هسته مخفی کارگری در دهه ۶۰ بنویسم. چندین سال است فضای پادگانی بر بسیاری از کارخانه های ایران حاکم است. کارگران لحظه به لحظه توسط دوربین مداربسته کنترل می‌شوند. به دلیل چندین ساعت غیبت و تاخیر جریمه و در صورت تکرار اخراج می‌شوند. و... که این فضا را به خوبی گزارشی تحت عنوان "شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شین بافت و پیروز بافت سنندج" به تاریخ هشتم خرداد ۱۳۸۹ یکی از کارگران اخراجی این کارخانه نوشته است توصیف کرده است. اما آن چه مرا به فکر نوشتن این تجربه انداخت این بود که به رغم چنین وضعیتی یک کارگر مبارز و انقلابی همواره می‌تواند و باید با گسترش شناخت خود از وضعیت محیطی که در آن فعالیت و مبارزه می‌کند به سازماندهی بپردازد. ما هم در دهه ۶۰ مجبور شدیم هسته مخفی کارخانه تشکیل دهیم. در آن زمان هم اعدام های گسترده فعالان سیاسی در زندان های ایران وجود داشت و بسیاری از عاشقان و شفیقتگان طبقه کارگر جان خود را بر سر این راه گذاردند و حالا هم هزاران جوان در زندان های جمهوری اسلامی در زیر شکنجه قراردارند و شماری از آنان در حال حاضر با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و خطر اعدام آنان را تهدید می‌کند. اگرچه از بسیاری جهات تفاوت زیادی میان شرایط کنونی و زمان تشکیل هسته مخفی کارخانه توسط ما وجود دارد، اما در یک چیز اشتراک وجود دارد آن هم این که به رغم گسترش مبارزات توده ای و به خیابان آمدن میلیونی مردم در یک سال گذشته هم چنان فضا برای فعالان جنبش های مختلف فضایی سخت است و هم چنان فعالان از هیچ گونه امنیتی برخوردار نیستند. در چنین شرایطی کار مخفی اهمیت ویژه ای می‌یابد و باید به عنوان مقوله ای جدی به آن نگریسته شود. این شباهتی است که میان وضعیت فعلی ما در دهه ۶۰ با امروز برای یک فعال کارگری وجود دارد ما هسته مخفی کارگری مرکب از ۴ نفر تشکیل دادیم. دقیقاً یاد نیست فکر می‌کنم سال ۶۴ یا سال ۶۵ بود. که به طور منظم ۴ نفره می‌نشستیم و در مورد مسائل مختلف با هم صحبت می‌کردیم. از مسائل ریز درون کارخانه تا مسائل سیاسی. اما باید بگویم قبل از آن مدت ها بود من و دوست بسیار نزدیکی که بعد ها به رفقای بسیار صمیمی برای هم تبدیل شدیم زمینه سازی می‌کردیم. و از هر فرصتی استفاده می‌کردیم تا ضرورت تشکیل جلسات منظم را یاد آوری کنیم. مثلاً وقتی خیر اعتصاب معدنچیان انگلیس از تلویزیون پخش شد، ما به چند نفر از کارگران زن که توانسته بودیم دوستی نزدیکی بین خودمان و آن ها برقرار کنیم می‌گفتیم ببینید آن ها اگر ۱۰ ماه اعتصابشان دوام می‌آورد چون اتحادیه دارند و این که میتوانند ۱۰ ماه بدون حقوق زندگی کنند اما هم چنان به اعتصاب ادامه دهند. اما اینجا کارگران یک ماه حقوق نگیرند دوام نمی‌آورند. برای این که هیچ پشتوانه ای ندارند. ما نه صندوق داریم و نه هیچ چیز دیگر. و از فرصت های مختلفی که پیش می‌آمد استفاده می‌کردیم تا توضیح دهیم لازم است ما جلساتی داشته باشیم تا در مورد این مسائل صحبت کنیم. مثلاً وقتی به یکباره مدیریت تصمیم می‌گیرد طرح طبقه بندی مشاغل راکه قرار است در کارخانه پیاده شود- از دور خارج کند آن ها با هم جلسه می‌گذارند و با هم به توافق می‌رسند چگونه به کارگران توضیح دهند که باعث اعتراض ما کارگران نشود و بهانه هایی که می‌آورند همه قبلاً با هم برسر آن توافق کرده اند. آن ها بارها جلسه می‌گذارند تا به یک تصمیم گیری برسند. برای همین هم هست که ما همیشه درضعفیم. چون از قبل فکر شده و توافق شده جلو نمی‌رویم. اما برای همه این ها باید کار با برنامه کرد. و لازم است ما هم مثل آن ها با هم در مورد این مسائل صحبت کنیم و بدانیم چه می‌خواهیم و چگونه می‌خواهیم پیش برویم. برای همین لازم است بدون این که مدیریت متوجه شود از قبل با هم بر سر هر مسئله صحبت کنیم و بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. من فکر می‌کنم برای یک کارگر مبارز که می‌خواهد دوستانش را به کار منظم ترغبی کند توجه دوستان کارگرش به ضرورت این کار از همه چیز مهم تر است. چون وقتی کارگران کاملاً قانع بشوند منافعیان اجاب می‌کند کارجمعی باید بکنند و با لازم است با هم در مورد مسائل درون کارخانه صحبت بکنند و... آن گاه موانع فرعی می‌شود. در آن صورت برای رفع موانع می‌شود به راه حل هایی رسید و حتماً هم راه حل هایی برای رفع مشکلات وجود دارد. اما در این رابطه همه کارگران از یک سطح آگاهی و یا یک پتانسیل مساوی برخوردار نیستند. در این میان عده ای از کارگران نسبت به بقیه جلوترند و نسبت به مسائل بهتر فکر می‌کنند و یا در محیط بهتر ظاهر می‌شوند. در دوران ما به دلیل فضای سخت پلیسی حاکم لازم بود هسته مخفی

۷- دوربین های مدار بسته شبانه روزی کنترل شده و گزارش آن به مدیریت داده می شود. این دوربین ها بسیار سودآور بوده و هر گونه حرکت انسانی را مشمول جرمیه و بازخواست قرار می دهند.

۸- اضافه کاری اجباری: این اضافه کاری ها تاکنون بسیاری از کارگران را بیمار و حتی یکی از کارگران زحمتکش (به شهادت خود کارگران) به اسم بهرام فرزام راد، بر اثر همین اضافه کاری سخته کرده و جان باخته است. البته مزایای اضافه کاری برای کارفرما بر کسی پوشیده نیست! در طول سال به طور متوسط هر کارگر ۱۵۰۰ ساعت اضافه کاری اجباری دارد. اگر فروش خوب باشد، اضافه کاری اجباری حتمی است و در صورت کسادی بازار، مدیریت بنا به تصمیم خودش، تعطیلات را جابجا و کارگران را به مرخصی اجباری می فرستد. ۹- شرح وظیفه در مقابل دستور مافوق بی اعتبار است!

۱۰- ایستادن و نشستن در طول ساعات کاری جرمی نابخشودنی است. ۱۱- دستمزد مطابق حداقل حقوق قانون کار است. البته اگر کارگر جرمیه نشود. ۱۲- رعب و وحشت از کارفرما و محیط کار و ترس از بازخواست و جرمیه شدن کابوس های شبانه کارگران در هنگام خواب محسوب می شود!

۱۳- شین بافت یک پادگان نظامی است که تمامی صفات مدیریت و برخورد با کارگران غیرانسانی است و کارگر آزاری به هر شیوه ی ممکن اجرا می شود. (۴۰ روز یکی از کارگران بنام ابوبکر فطنی، در حیاط کارخانه به صورت ایستاده، مورد اذیت و آزار روحی و جسمی قرار گرفت. کارگری با نام خانوادگی درویشی، توسط کیورمتر امینی و دو نفر از عواملش مورد کتک کاری شدید قرار گرفت و...)

۱۴- هر کدام از ابزار و وسایل تحویلی کارگران، در صورت شکسته شدن و یا اسقاط و گم شدن، بنا به تشخیص کارفرما باید دوباره توسط کارگر خریداری شود.

۱۵- از قانون کار حرف زدن در محیط کار جرم محسوب می شود و کسر حقوق به دنبال دارد.

۱۶- عضویت در تشکل های کارگری، حتی خارج از کارخانه جرم است و اخراج را در پی دارد.

۱۷- اربابان این کارخانه، در کاخ های خود در کانادا مقیم هستند و هر ماه با مسافرت های هوایی، مغضوب شدگان را عذاب می دهند. البته باید همیشه خزانه ارباب پر باشد، چون که درآمد ایشان به ریال است و خرج به دلار!

۱۸- دوستی جرم است و یکی از وظایف مدیریت ایجاد تفرقه میان کارگران است و داد و فریاد و توهین از اصول اخلاقی آنهاست.

۱۹- این کارخانه هیچگونه حمایت مالی و اسپانسرری در قبال کارگران انجام نمی دهد و هر روز صاحبان کارخانه با مکیدن خون کارگران چاقتر می شوند. طوری که کیورمتر امینی به بیماری نفرس مبتلا می باشد. ۲۰- شیوه مدیریت به گفته بسیاری از نزدیکان کارفرما شبیه مدیریت عهد قاجار است!

۲۱- مداحان و تملق گوین و گزارشگران مدیریت، که معمولاً اقوام کارفرما هستند، از نیروهای ستادی و اداری مدیریت محسوب می شوند، که گاهی اوقات برای لشکرکشی ها خارج از وظایف مورد استفاده قرار می گیرند و پست کاری آنها با هیچ کارگر مرضی قابل تعویض نیست.

من ۲۱ مورد را گفتم، اگر باور ندارید به طور خصوصی از یکی از کارگران سوال کنید. امکان دارد آنقدر مرعوب شده باشد که حتی جرات حرف زدن را نداشته باشد.

خلاصه کنم: شین بافت کارخانه جهنمی است که من حدود ده سال به عنوان فردی مرعوب شده در آنجا کار کردم.

#### اعتراض و اعتصاب:

اعتصاب تا به حال نداشته است و اعتراض به صورت انفرادی و غیر متشکل و پراکنده صورت گرفته و فرد معترض اخراج شده است. ایجاد رعب و وحشت و ترس و تحقیر و تهدید به اخراج از دلایل عمده ی عدم اعتراض دسته جمعی عنوان می شود.

اخراج: اگر بخواهند کارگر رسمی را اخراج کنند آنقدر او را عذاب می دهند تا خود فرار کند. کارگر قراردادی هم که حق حرف زدن ندارد.

شرایط فیزیولوژیک کارخانه: رطوبت بالای ۸۰ درجه، گرما بالای ۳۰ درجه، گرد و غبار نخ به غلظت گردباد، شدت صدای ماشین آلات به حدی است که هیچ کس نمی تواند حتی در فاصله اندک با هم حرف بزند. جا به جا نمودن و بارگیری و تخلیه بدون ماشین، استفاده از مواد شیمیایی آهار، نور صد درصد مصنوعی. در طول ساعات کاری استراحت معنی ندارد.

بیماری های ناشی از کار و رعایت نکردن بهداشت و ایمنی: دیسک کمر، آلرژی، بیماری های پوستی، سنگ کلیه، سوزش چشم، بیماری های تنفسی، آسم و بیماری های قلبی و روانی... جمعی از کارگران به اسامی حسین احمدی، ابوبکر فطنی، حبیب اله هاشمی، سید حسام سعیدی، فردین درویشی که دچار بسیاری از بیماری های فوق شده اند، مجبور به ترک کار و استفاده از بیمه بیکاری شدند و به مراجع قضایی شکایت نموده اند. در نتیجه این بیماری ها، از قدرت بدنی کارگر کاسته می شود. آنها قبل از شکایت

تقاضای تغییر و جابجایی شغلی کرده بودند. در این کارخانه به جای اول ایمنی بعد کار، شعار اول ایمنی بعد کار عملی شده است! بسیاری از بیماری ها به علت عدم توجه کارفرما به مسائل ایمنی به وجود آمده است. به تازگی هم به تعدادی از کارگران، اخطار پزشکی داده شده که باید بیماری های ناشی از کار را درمان و یا ترک کار کنند. جالب تر اینکه بعد از ۱۸ سال کار، به کارگران فشار آورده اند که برنگه ای را امضا کنند که کارخانه وسایل ایمنی، از قبیل ماسک، گوشی و کفش به تعدادی تحویل داده است و اگر کارگری دچار بیماری شود، مدیریت کارخانه هیچ مسئولیتی ندارد. این وسایل، دو سه سالی است که مرتب داده می شود. جواب کارفرما در مقابل بیماری کارگران: اینجا گذاشته نیست، تنها تو نیستی! اداره کار و قانون: بدون تردید اداره کار به جای اجرای قانون، به اشتغال با دیدی کاملاً حمایت گرانه از سرمایه می نگرد و همیشه و در همه جا به دنبال هموار کردن موانع سرمایه گذاری، یعنی سرکوب کارگران می باشد. انتخاب نماینده کارفرمایان و مدیران ضد کارگری برای ریاست اداره کار جای تعجب ندارد و هر کس از حقوق کارگران دفاع می کند به نام کمونیست و ضد انقلاب دادگاهی می گردد. البته رای هایی هم که در قانون به نفع کارگر داده می شود، ضمانت اجرایی ندارد. کلام آخر: به چه کسی پناه ببرم که بی پناهم، با کی صحبت کنم که مصاحبتم جرم نباشد، کدام چه باید کرد را عمل نمایم، تا اعمالم به سر منزل مقصود برسد. من خواهان برابریم، برابری، برابری، برابری ...

یکی از کارگران اخراجی کارخانه شین بافت سندنج - اردیبهشت ۱۳۸۹

#### تیتراهای ایران در آینه آمار (۴۴)

##### تهیه و تنظیم: مریم اسکونی

۲۲ تیرماه ۱۳۸۹ - ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۰

- \* - بیکاری دختران روستا و رواج ازدواج با مردان متاهل، معتاد ...
  - \* - ۱۵ هزار دختر روستایی چشم به راه ایجاد زمینه های اشتغال
  - \* - کمیته امداد پیشرو در طرح مسئله
  - \* - اشتغال نیاز اول و حرف آخر
  - \* - ایران در آمادگی الکترونیکی از آخر سوم شد!
  - \* - ضریب بیکاری در ایران سال به سال افزایش می یابد.
  - \* - سه برابر شدن حضور بسیجیان در اینترنت/فیلتر شدن 5 میلیون وبلاگ و وبسایت
  - \* - در بهار امسال؛ واردات شکر نزدیک به ۳ برابر تولید آن بود
  - \* - ۲۶۰ هزار کشته در ده سال در جاده های ایران
  - \* - نرخ بیکاری جوانان دو برابر نرخ بیکاری کشور.
  - \* - وضعیت پیشرفت ۴۰ طرح پتروشیمی در ایران؛ از صفر تا ۲۰ درصد.
  - \* - بیش از ۲۵ درصد بیکاران کشور دارای تحصیلات عالی هستند.
  - \* - ۳۰۰ هزار معتاد بی بضاعت در حال تبدیل شدن به معتادان خیابانی هستند
- جهت مطالعه خود مطالب سر تیتراهای فوق، میتوانید به سایت ذیل مراجعه نمایید: <http://www.rahekargar.de>

#### \* پیوندها \*

سر دبیر نشریه: منصور نجفی

[mansour.nadjifi@teia.com](mailto:mansour.nadjifi@teia.com)

تلفن، فاکس ایمیل و روابط عمومی سازمان

تلفن 0049-69-50699530

فاکس 0049-69-95219010

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

[orwi-info@rahekargar.net](mailto:orwi-info@rahekargar.net)

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchap.org](http://www.etehadchap.org)

سایت رانیدو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

نشر بیدار

[www.nashrebidar.com](http://www.nashrebidar.com)

نشریه انگلیسی ایران بولتن

[www.iran-bulletin.org](http://www.iran-bulletin.org)

توجه: مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند،

الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.